

وارثان کوشی

فرہنگنامہ مصوّر

واژه‌ها، اصطلاحات، بلورما، چیتن باولالی نامی

تربت حیدریہ

مرد آورنده و مؤلف : محمد حیدر خزاہی
ویراستار : عباس سیزواری

سروشنامه	خزاعی، محمد حیدر، ۱۳۲۸-
عنوان و نام پدید آورنده	واژگان گویشی، فرهنگنامه مصورواژه ها، اصطلاحات، باورها، جیستانها ولایی های تربت حیدریه/گردآورنده و مولف محمد حیدر خزاعی
ویراستار	عباس سیزواری
مشخصات نشر	تربت حیدریه: دانشگاه تربت حیدریه، انتشارات، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۸۷۰ صفحه مصور(رنگی)
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۳۵-۰۳-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یاد داشت	واژه نامه، کتابنامه، نمایه
شناسه افزوده	سیزواری، عباس، ویراستار، دانشگاه تربت حیدریه
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۲۳۰۷۵



واژگان گویشی، فرهنگنامه مصور واژه ها، اصطلاحات، باورها، جیستانها ولایی های تربت حیدریه

گردآوری و تألیف	محمد حیدر خزاعی
ویراستار	عباس سیزواری
چاپ اول	بهار ۱۳۹۵
ناشر	انتشارات دانشگاه تربت حیدریه
شمارگان	۵۰۰ نسخه
طرح روی جلد	مهندس بصیر فائزی
چاپ و صحافی	انتشارات ویونا
قیمت	:
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۳۵-۰۳-۰

خراسان رضوی - تربت حیدریه، کیلومتر ۷ محور تربت مشهد، دانشگاه تربت حیدریه
انتشارات دانشگاه تربت حیدریه، تلفن و نمابر: ۰۵۳۱-۲۲۹۹۶۰۱-۴

حق چاپ برای مولف و انتشارات دانشگاه تربت حیدریه محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان مطلب
ج	زبان مادری
ح	اتحاد و اعتدال
خ	خلاصه تقریباتی که توسط داوران و صاحب نظران بر این کتاب نوشته شده است
ر	کلامی با خوانندگان از جمند
س	سخن آخر
ص	راهنمایی های لازم
	۱- واژه ها
	۲- حذف و اضافات و ابدال و تخفیف ها
	۳- اء یا مهمل
	۴- رروف
	۵- ک. ت.
	۶- ضمائر شخص (انفصال)
	۷- شنایه های مل
	۸- ضمائر پیوسته (مل)
	۹- ضمائر باصفات اشر
	۱۰- ضمائر باصفت پرشی
	۱۱- صرف فعل گذشته ی ساده ی رفتن
	۱۲- صرف فعل گذشته ی استمراری رفتن
	۱۳- گذشته نقلی رفتن
	۱۴- گذشته ی دور رفتن
	۱۵- گذشته ی التزامی رفتن
	۱۶- گذشته ی مجهول دیدن
	۱۷- گذشته ی بعید مجهول از فعل دیدن
	۱۸- گذشته ی التزامی دیدن
	۱۹- گذشته ی مجهول استمراری از فعل دیدن
	۲۰- نشانه ها
	۲۱- علایم اختصاری
۷۳ ۵۱	فصل اول: از حرف «آ» تا حرف «الف» از واژه ی «آبادنی» تا «آیش»
۲۰۶ ۵۷۴	فصل دوم: از حرف «ب» تا حرف «ث» از واژه ی «باب» تا «ثقیل»
۳۳۱ ۵۲۰۷	فصل سوم: از حرف «ج» تا حرف «خ» از واژه ی «جا» تا «خیه کشی»
۴۴۵ ۵۳۳۲	فصل چهارم: از حرف «د» تا حرف «ذ» از واژه ی «د» تا «ژیوه»
۵۸۱ ۵۴۴۶	فصل پنجم: از حرف «س» تا حرف «ق» از واژه ی «سابات» تا «قییم موشک»
۷۱۱ ۵۵۸۵	فصل ششم: از حرف «ک» تا حرف «ل» از واژه ی «کاج» تا «لیوان»
۸۴۷ ۵۷۱۲	فصل هفتم: از حرف «میم» تا حرف «ی» از واژه ی «ماچ و موج» تا «یوه گو»
	پیوست ها:
۸۵۳ ۵۸۴۸	فصل هشتم: غذا های مردم تربت حیدریه
	آرد بریو a^rd beryoo
	آش a^sh

a^she a^loo آش آلو
 a^she berinج آش برینج
 a^she jow آش جو
 a^she reshta آش رشته
 a^she shelgham آش شلغم
 a^she lexshak آش لخشک
 a^she lexshak آش لخشک
 a^she ma^sh آش ماش
 a^ghooz آغوز
 oma^j اماج
 ow jeezak او جیزک
 ow dogh او دوغ
 ow dogh xe او دوغ خه
 ow goos او گوشت
 bu^ghoor بلغور
 bu^ghoo beshir بلغور بشیر
 ta^s keba^b تاس کباب
 Tougy توگی
 xaygina خایگینه
 dolma دلمه
 dampoxtak دهمپختک
 danook دنوک
 semanoo سمنو
 shola شله
 shoorya^ شوروا
 shoola شوله
 ta^s keba^b طاس کباب
 adesi عدسی
 fesenjoon فسنجون
 fela فله
 ghorma قرمه
 ghorma sowzy قرمه سوزی
 ghorooty قروتی
 ghotta^b فطاب
 ghelefty قلفنی
 ghayma^gh قیماق
 ka^chi کاجی
 kashke zard کشک زرد
 kefshira کف شیرمه
 kaljoosh کلجوش

kella paicha کله پیچه

koma^j کماج

kookoo کوکو

kooft beryoon کوفته بریون

gorma^st گرماست

nargesi نرگسی

noo joosh نو جوش

nimroo نیمرو

۸۶۲ ۵ ۸۵۴

فصل نهم : اشعار محلی تربت حیدریه

۱- مندسین (محمد حسین) نوداماد

۲- خال گردن

۳- تنه آقا

۴- کوه سوه

وصف دهات تربت

زهرا که زهر مار

رفتم به باغی

بازم میام (باز هم می آیم)

وصف شیر ی تریاک

طلب باوان

شعر زمستان استاد صاحبکار

۸۶۸ ۵ ۸۶۳

فصل دهم : مزارهای تربت حیدریه

moza^ra a^gh kemar مزار آق کمر

moza^re aboo saeed مزار ابوسعید

moza^re orgay مزار ارگهی

moza^re borya^ba^d مزار بورباباد

moza^re bibi hosnyya مزار بی بی حسیه

moza^re pire a^saf مزار پیر اصف

moza^re solta^an selaymoon مزار سلطان سلیمون

moza^re shayx abolgha^sem مزار شیخ ابوالقاسم

moza^re ghonchy مزار غنچی

moza^re fetiry مزار قطیری

moza^re ghotboddin haydar مزار قطب الدین حیدر

۸۶۹

سایر آثار مولف :

۸۷۰

فهرست منابع و مآخذ

سخن آخر:

به نام خدا

«وقتی زبان (لهجه) ویران شود، تذکر گذشته هم از بین می رود.»

از جمله فعالیت هایی که در قلمرو فرهنگی می توان انجام داد، کوشش ورزیدن به شناسایی و نشر فرهنگ ملل واقوام گوناگون است. زیرا فرهنگ هر قوم عامل تعیین کننده ی هویت آن قوم است و اگر انسانها را از نظر تفاوت های ظاهری و جسمی نادیده بگیریم می توان گفت که یک انسان وجود دارد ولی با فرهنگ های گوناگون. اگر همه ی انسانها نیز دارای یک فرهنگ بودند دیگر نیازی به مطالعه و پژوهش و تحقیق نبود. پس با کنکاش و بازنگری در این مقوله است که می توان به دلایل وریشه های تاریخ، داب، سن، رسوم و باورهای اقوام گوناگون هر منطقه و نیز به رنج هایی که پیشینان برای به دست آوردن و حفظ و نگهداری آنها تحمل شده اند پی برد. باز کاوی و نگاهی دوباره و نو به این مشخصه ها است که نسل آینده را به نکا پو و خواهد داشت تا در احوا ن گنایان - بیشتر دقت کنند و مجاب شوند که هر کلام و کلمه ای که از پیشینان برجای مانده و در طی قرون متمادی سینه به سینه گشته و آهسته سهرده شده است، تصادفی و ساده نبوده است. وقتی چنین باوری در فکر و اندیشه ی نسل جستجو گر امروزی به بار سید، او نیز فراموشد گرفت که به چه شکلی از آنها مراقبت و پاسداری کند. آنوقت است که من و تو اطمینان پیدا خواهیم کرد که رسالت خود را خوبی به انجام رسانده ایم.

همانگونه که می دانیم گهربارتر، گستره ی مردم شناسی همان زبان مادری است، که به گونه های گویشها و زبانهای بومی و قومی در گوشه و کنار این مرز و بوم ریشه ی ریشه خود را سهری می کند. در زمره ی اینان زبان و گویش مردم خراسان از جمله شهرستان تربت حیدریه است که از گذشته های بسیار کهن فارسی است که خود نیز از شاخه های زبان آریایی بازمانده از فارسی سهری عهد ساسانیان است. به بیانی دیگر این زبان از شاخه ی پربزرگ و باری است که برته ی فارسی میانه وریشه ی پارسی باستان استوار و شاخه های گسترده آن در جای جای این کشور ساه گسترانیده است. و به عبارت دیگر بنا بر یک اصل ساده، وقتی لهجه های نامکتوب که گویشوران فراوانی نیز ندارد، چنین پربار و برتر باشند، بدیهی است که خود آن زبان اصلی که حکم تنه را دارد بی شک بیش از آنچه به گمان آید توانمند و زایا بوده است.

هرچند در اثر مرور زمان و کثرت وسایل ارتباط جمعی و مهاجرت بسیاری از مردم مناطق دیگر ایران چونان: یزدی، کرمانی، مشهدی، بلوچی و هراتی واژه های مختلفی از گویش ها یشان را داخل گویش مردم تربت کرده و به نوعی خود باختگی ایجاد نموده اند، ولی خوشبختانه این دگرگونی ها و آمیزش واژه ها بیشتر در گویش شهرها تاثیر گذار بوده تا روستاها و مناطق دور افتاده ی دیگر. اما اینکه این واژه ها چرادر روستاها کمتر دستخوش تغییرات اساسی و تهاجم فرار گرفته و در مقایسه با دیگر لهجه های خراسانی از سلامت روانی خاصی برخوردار است و در طی این سالیان متمادی خلوص خود را حفظ کرده و هنوز بسیاری از کلمات و واژه ها به همان صورت فارسی سهری باستانی تلفظ می شوند، خود جای دقت فراوان دارد.

کوشش برای حفظ واژه هایی که ابدوران گذشته تا کنون بجا مانده و بخشی از گنجینه ی پربهای ادب فارسی را تشکیل داده اند و هنوز در گویش های محلی و قومی زنده و کارساز هستند، یک تکلیف است. اگر اجازه ندهیم تا این واژه ها که از نظر زیبایی و ظرافت و رسانایی و مفید بودن و آرا بودن غنای لازم، در زبان متداول و روز مره کاربرد خود را از دست بدهند و یا نامانوس شده و به دست فراموشی سپرده شوند، کاری بس سترگ را انجام داده ایم.

از آنجا که لهجه های فعلی تربت همانند سایر نقاط کشورمان باهم تفاوت هایی دارند، که بعضی از آنها درهمه ی نقاط مشترک و برخی مخصوص محل خاصی است، گردآوری و ثبت و ضبط و تفکیک و سپردن و انتقال آنها به آیندگان به دلایل زیر بر نسل حاضر فرض و هرگونه تلاشی دراین راستا قابل تقدیر و سپاس خواهد بود:

الف: حفظ تلفظ صحیح واژه های کهن.

ب: حفظ عناصر دستوری به فراموشی سپرده.

ج: حفظ واژه هایی که امروزه رایج نیستند، ولی در فرهنگ های فارسی ضبط شده اند.

د: حفظ واژه هایی که امروزه رایج نیستند، ولی در متون کهن پارسی به کار رفته اند.

ه: حفظ واژه هایی که امروزه رایج نیستند، ولی مسلم است که در زبانهای ایرانی کهن (ویژه پهلوی) وجود داشته

اند.

و: حفظ واژه هایی که امروزه از میان رفته و پیشینه ی آنها شناخته نیست، ولی در زبانهای کهن ایرانی ریشه داشته اند.

ز: حفظ واژه هایی که امروزه رایج نیستند، اما ساخت و معنای آنها معلوم است.

ح: حفظ واژه هایی که واژه معنای آنها رایج نیست.

در خاتمه از ارباب پیشین هم دیاران عزیز و گرانسنگ خود، در هر مرتبه ای که هستند، تقاضا دارم تا برای تکمیل و بهبود کیفیت مجموعه ی زبان مدری، که گنجینه ی سرشاری از بررسی های فرهنگی و تاریخی و ادبی و جامعه و مردم شناسی را در خود نهفته دارد و به آرامی پره ی ایرانی سرشاران خود می شود، این حقیر را یاری دهند، و بنده نیز هرگونه انتقاد و پیشنهادی را با جان و دل خریدارم.

محمد حیدر خزاعی

ایران - مهرماه سال ۱۳۸۰